

بقلم: آقای مرتضی مدرس چهاردهی

سردار کابلی

حیدرقلی و نام خانوادگیش قزلباش «۱» ملقب و مشهور به سردار کابلی می- باشد پدرش نور محمدخان از سرداران معروف افغانستان بوده در جنگهای داخلی و خارجی «۲» آن کشور شجاعت‌های بسیار ابراز داشته - سالهای متمادی حکومت بلخ را دارا بود و مدتی هم نیابت سلطنت امیر شیرعلی خان را داشت و چون امیر شیر علیخان یگانه رقیب مقتدر امیر عبدالرحمن خان و پدرش بشمار میرفته و نور محمد خان هم از آغاز جوانی با امیر مذکور دوستی هر چه تمامتر بایکدیگر داشتند و پیاس حفظ دوستی او چندین نوبت با امیر عبدالرحمن خان جنگیده و در بعضی از آنها پدر و خانواده‌اش را هم اسیر گرفته بود لهذا در هنگامیکه امیر عبدالرحمن خان در سال ۱۲۹۷ هجری قمری «۳» بسطنت افغانستان رسید نور محمدخان با عیال و اولاد و خدم و حشم به هندوستان رهسپار شد و در شهر لاهور اقامت گزید اما با وجود دوری از وطن امیدوار بود امیر شیر علیخان مجدداً نهضتی کند و او را بکمک خود از هندوستان فرا بخواند ولی اوضاع افغانستان بوفق میل و مراد امیر عبدالرحمن خان جریان یافت

۱ - لفظ قزلباش در اصل مرکب از دو کلمه قزل بمعنی سرخ و باش بمعنی سر بوده و پیروان سلطان حیدر صفوی را باین اسم میخوانده‌اند و مولف «بستان السیاحه» حرف قاف زیر کلمه قزلباش ص ۴۳۲ می نویسد: در ملک توران و هندوستان هر کس شیعی مذهب و از اهل ایران باشد او را قزلباش میگویند و در کشور روم و شام و ممالق شیمه را باین نام میخوانند، و بهر حال قزلباش در اصل از مردم طوائف: شاملو، استجلو، تکلو، ترکمان و ذوالقدر بوده‌اند و وقایع زندگانی آنان در بسیاری از کتب تاریخ نوشته شده است.

۲ - جنگهای خارجی افغانستان بیشتر با انگلیسها بوده و اعتضاد السلطنه در تاریخ افغانستان بسیاری از وقایع آن جنگها و علل آنها را شرح داده است ۳ - تاریخ افغانستان ص ۱۳۳ تالیف امیر عبدالرحمن خان پادشاه آن کشور و برای دانستن شرح حال این پادشاه و خدمات امیر شیر علیخان با افغانستان بجلد اول کتاب مشاهیر الشرق تالیف جرجی زیدان چاپ مصر مراجعه نمایید.

۳ - در اعمال مذهبی امیر عبدالرحمن خان پیروی از امام ابوحنیفه میکرد و در این مذهب تعصب و تعصب شدیدی را داشته و نور محمدخان بفقہ جعفری عمل میکرد است.

و در سال ۱۲۹۹ امیر شیر علی خان هم در زندان کابل بدرود زندگانی گفت و با این حوادث امید عودت بوطن از نور محمد خان منقطع شد و تا هفت سال در هندوستان رحل اقامت افکند و از آنجا که با وجود این اختلافات و اختلافات دیگر سیاسی از حیث عقیده مذهبی هم با امیر عبدالرحمن خان مخالف بود «۱» اندیشه بازگشت بافغانستان را از خود دور نمود و در سال ۱۳۰۴ بعزم توقف در کشور عراق با بستگان و متعلقان از هندوستان هجرت کرد و مدت شش سال هم در کاظمین بغداد، کربلا نجف و سامرا اقامت گزید و سپس در سال ۱۳۱۰ بایران آمده در شهر کرمانشاه توقف نمود تا اینکه بالاخره در شب دهم ماه ذی الحجۃ ۱۳۲۴ وفات نموده .

سردار کابلی در روز سه شنبه هیجدهم ماه محرم سال ۱۲۹۳ برابر بایست و پنجم بهمن ۱۲۵۴ شمسی در شهر کابل متولد گردید و در سن چهار سالگی به همراه پدرش به هندوستان رفت و تا سن یازده در آنجا بفرار گرفتن زبان هندی و سانسکریت و خواندن و نوشتن فارسی و تحصیل انگلیسی و ریاضیات مشغول بوده سپس از هندوستان به کشور عراق آمده به تکمیل السنه مزبوره و تحصیل علوم اسلامی پرداخت و مقدمات عربیت، فقه، حدیث و کلام و حکمت را در نزد شیخ علی اصغر تبریزی که از اساتید و علماء مبرز بود دیده و علوم جدید را نزد معلمین انگلیسی که یکی از آنها را پدرش برای تعلیم بوی با خود از هندوستان بعراق آورده بود خوانده است و بعد از آنکه از تحصیل علوم جدید و مقدمات علوم دینی فراغت حاصل نمود بخدمت استادان مشهور فقه و اصول و حدیث شتافته مدتها هم در نزد آنان با استفاده مشغول گردید تا اینکه بمقام اجتهاد رسید و از آقامیرزا محمد علی مدرس رشتی چهاردهی و آقا سید حسن صدر و سید محسن امین عاملی و دیگران اجازه اجتهاد دریافت داشته است و بیشتر تحصیلاتش در نزد استاد علامه آقامیرزا محمد علی مدرس چهاردهی رشتی که استاد منحصر بفرد در کتب سطح فقه و اصول و ریاضیات بود می باشد .

۱ - تاریخ وفات او را سید حسن کزازی از فضلا و علماء مشهور کرمانشاه چنین سروده است

با قدم صدق رفت جانب عقبی
گفت بعضی جان سپرد ليله اضحی

نور محمد چو دست شست ز دنیا
سال وفاتش ستوال چون زخرد شد

سردار با وجود تحصیلات اسلامی و جدید بواسطه ذوق و شوق وافر که در جمع علوم و فنون داشت در نزد شیخ عبدالرحمن مکی که از علماء بزرگ مکّه و مقیم کرمانشاهان بود معلوم غریبه مانند حروف اوفاق احکام نجوم رمل جفر پرداخت و زمانی هم در نزد دیگران زبانهای لاتین و عبری را آموخت در سایه تحصیلات و فرا گرفتن علوم شخصیت علمی پدید آمد که گروهی او را در عصر حاضر چنان شناختند که شیخ بهائی را در قرن یازدهم «۱»

از تالیفات ایشان کتابی است در قبله که با دقت ترین اسلوب ریاضی و فقهی تالیف و منتشر نمود این کتاب پس از تالیف رساله شرح قبله تالیف آقامیرزا محمدعلی مدرس رشتی چهاردهمی از بهترین کتابهایی است که تا کنون تالیف شده است سردار از مشایخ اجازه حدیث و روایت است که بسیاری از فضلاء جوان از وی اجازه حدیث دریافت نمودند و فاضل ارجمند آقای کیوان سمیعی کتابی درین باره بنام «تذکره استادان» تالیف نمودند. آقای سید عبدالحسین شرف الدین عاملی از بزرگترین دانشمندان جهان اسلامی و از افتخارات مذهب جعفری است که کتاب بسیار نفیس و گرانبهای ایشان را که بنام المراجعات می باشد سردار کابلی بفارسی ترجمه و منتشر ساخت تا زمانی که سردار کابلی حیات داشت هنگامیکه نام کرمانشاهان در حوزه های فضل و دانش برده میشد گویا بانام سردار تبادر ذهنی پیدا میکرد و نگارنده ناچیز این سطور يك مرتبه در سفر ایشان بتهران موفق بدیدارش گردید و از لحاظ آنکه از شاگردان آقا میرزا محمدعلی بود بسیار مورد الطاف ایشان قرار گرفت.

کتابخانه بسیار نفیسی داشتند مرکب از کتب عربی - فارسی خطی و چاپی و انگلیسی در علوم اسلامی که بدبختانه پس از وفات سردار کابلی در تهران حراج و پراکنده گشت

سردار در تاریخ . . . وفات نمود خدایش رحمت کناد .

ادیب هنرمند اقا یوسف ابوعلی احساسی که از شاعران و نکته پردازان عرب است حکایت کرد مرا که در محضر روح پرور سردار کابلی در باره آرامگاه حضرت زینب در شام سخن بمیان آمد و گفته شد که یکی از شاعران و ادیبان اهل سنت و جماعت قصیده ای عزادراین خصوص سروده و با خط زیبای نسخ قاب گرفته و در زینبیه آویخته اند روا نباشد که شیعیان علی علیه السلام قصیده ای سروده باشند، سردار سخت متأثر شد و همان شب این قصیده را که از شاهکار ادبیات عرب است سرود «بقیه دارد»

«خود را بچنین آب چو آتش مفروش»

آن آتش افروخته اندر دل آب
گفتم بخرد که چیست؟ گفتا خاموش
کاین شعبده ترسا بچگمان ساخته اند
کز خانه ما و تو بر آرند خروش
بس خانه که داده است این آب بیباد
بس دل که گرفته است ازین آتش جوش
بس مرد که این آب فرو برده بخساک
بس مفرز که اینز باده تهی کرده ز هوش
زنهار گر آب زندگانی خواهی
خود را بچنین آب چو آتش مفروش